



❖ عنوان پژوهش: آینده پژوهی نابرابری در دسترسی به خدمات رفاهی در حوزه‌های سلامت، آموزش، مسکن و اشتغال		
❖ نوع پژوهش:		
<input type="checkbox"/> توسعه‌ای	<input type="checkbox"/> بنیادی	<input checked="" type="checkbox"/> کاربردی
❖ نوع خروجی حاصل از انجام پژوهش:		
<input type="checkbox"/> سند سیاست‌گذاری	<input type="checkbox"/> گزارش کارشناسی	<input checked="" type="checkbox"/> طرح پژوهشی

لازم به ذکر است در چارچوب پژوهشی مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، منظور از طرح پژوهشی، سند سیاست‌گذاری و گزارش کارشناسی به شرح ذیل است:

«طرح پژوهشی»

طرح پژوهشی یکی از انواع قالب‌های تولید علمی محسوب می‌شود که منطبق با اصول علمی روش تحقیق انجام می‌شود.

«سند سیاست‌گذاری»

«سند سیاست‌گذاری»، گزارشی کوتاه، بی‌طرفانه و موجز در پاسخ به یک سؤال مشخص یا راجع به یک مسئله خاص است که استاندارد صلاحیت برای تهیه سند سیاست‌گذاری، افراد خبره هستند. این گزارش شامل سه بخش زیر می‌شود: بخش اول که به آن «خلاصه مدیریتی» خواهیم گفت، بر روی جلد گزارش، ضمن بیان مشکل در یک یا دو سطر، به ارائه راهکارهای اجرایی منطقی برای آن در حداکثر نصف صفحه می‌پردازد. بخش دوم که گزارش اصلی را تشکیل می‌دهد و در ۳ تا ۵ صفحه مطابق چارچوب تعیین شده تهیه می‌شود، «پیشنهادات سیاست‌گذاری» نامیده می‌شود. بخش سوم که به تحلیل دقیق موضوع و ارائه اسناد پشتیبان آن می‌پردازد، «یادداشت سیاست‌گذاری» نام دارد. هر یک از این سه بخش برای اهداف خاص و مخاطبان ویژه خود تهیه می‌شوند.

«گزارش کارشناسی»

شامل ارائه یک گزارش کامل در خصوص یک موضوع خاص موردنظر است که به یک فرد مجری با سطح صلاحیت حداقل «محقق» واگذار می‌شود تا حداکثر طی ۳ ماه، گزارش موردنظر را منطبق با فرمت ارائه شده تهیه و ارائه نماید.

«تعریف سطح خرد/متوسط/کلان»

طرح خرد- طرحی است که از حیث مبلغ سه برابر حدنصاب معاملات خرد مؤسسه می‌باشد.

طرح متوسط- طرحی است که از حیث مبلغ از معاملات خرد فراتر بوده و حداکثر ده برابر سقف حدنصاب معاملات خرد مؤسسه می‌باشد.

طرح کلان- طرحی است که از حیث مبلغ از سقف معاملات متوسط فراتر باشد.

❖ توصیف و بیان مسئله:

اگرچه سابقه مداخله دولت به منظور تأمین نیازهای رفاهی اتباع یک کشور به قرن نوزدهم بازمی‌گردد، اما با برآمدن دولت‌های رفاهی در دوران بعد از جنگ جهانی دوم بود که مداخلات دولت در بازار به منظور پوشش دادن به شکست‌های بازار و همچنین مقابله با چرخه‌های اقتصادی سرمایه‌داری در کنار تأمین رفاه به رویه‌ای پایدار و مقبول بدل شد؛ رویه‌ای که حتی برآمدن امواج نولیبرال دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی نیز نتوانست گزندی به آن وارد آورد.

در ایران نیز چنین مداخلاتی به شیوه‌های بسیار محدود و عمدتاً ناکارآمد از دوران قاجار آغاز شد اما در دوران پهلوی به جایگاهی ویژه دست یافت و تا امروز همواره بخش قابل توجهی از بودجه دولت مصروف آن شده است. به‌ویژه پس از انقلاب و روی کار آمدن نظامی که شعار اصلی آن حمایت از مستضعفان بود، هزینه‌های رفاهی کشور به صورت قابل توجهی افزایش یافت. گرچه هزینه‌های دولتی و عمومی مربوط به رفاه و تأمین اجتماعی در دهه‌های بعد با فراز و فرودهای بسیاری همراه بوده‌اند اما تا به امروز سهم بالایی در بودجه عمومی کشور داشته‌اند. با این حال کم و کیف این بودجه، انواع آن، جامعه هدف و شیوه هدایت آن به‌سوی جامعه هدف همواره با چالش‌های بسیاری مواجه بوده است.

بخش مهمی از بودجه رفاهی دولت و سازمان‌های عمومی در ایران در بخش‌های سلامت، آموزش، مسکن و اشتغال هزینه می‌شود. یکی از مهم‌ترین چالش‌های مربوطه که در تمامی این بخش‌ها خودنمایی می‌کند، نابرابری در توزیع خدمات رفاهی بین بخش‌های مختلف کشور است. چالش نابرابری، تنها به توزیع امکانات توسط دولت مربوط نمی‌شود. در واقع دولت در بسیاری از موارد با قرار دادن تمامی شهروندان کشور به مثابه جامعه هدف، از یارانه‌ها و خدمات رفاهی رایگان یا کم‌هزینه به منظور کاهش شکاف نابرابری بهره می‌گیرد. با این حال برای درک درست نابرابری در دسترسی به خدمات و امکانات رفاهی باید به کارکرد کلی دولت، جامعه مدنی، بازار و بخش عمومی در ایران نگاه کرد.

اگرچه بخش عمده‌ای از نیازهای رفاهی گروه‌های مختلف جامعه از طریق بازار تأمین می‌شود، اما معضل فقر و نابرابری و محدودیت در دسترسی اقشار و مناطق مختلف به انواع امکانات رفاهی، نقش دولت و بخش عمومی را در تأمین این نیازها به شدت افزایش داده است. از سوی دیگر استقرار دولت مدرن در ایران بیش از آنکه به توان‌مندسازی جامعه یاری رساند با تضعیف پیوندهای محلی و انجمن‌های داوطلبانه سرمایه اجتماعی خرد را کاهش داده و اجتماعات را بیش‌ازپیش وابسته دولت نموده است. بدین ترتیب به نظر می‌رسد نقش دولت و تاندازه‌های بخش عمومی در تأمین نیازهای رفاهی اقشار گوناگون در ایران از بسیاری کشورهای دیگر بیشتر است. این امر گرچه علی‌القاعده باید به کاهش سطح نابرابری بینجامد اما گزارشات اقتصادی و اجتماعی در سال‌های اخیر نمایانگر افزایش شکاف در دسترسی به خدمات رفاهی در حوزه‌های مذکور هستند. این مسئله از چند جهت دارای اهمیت است.

اگرچه نفس مسئله تأمین امکانات رفاهی از اهمیت بسیاری برخوردار است اما در نظر گرفتن معیارهای عدالت حقوقی و اجتماعی که پیوند وثیقی با حقوق شهروندی و به‌ویژه شهروندی اجتماعی دارد، نابرابری در دسترسی به خدمات رفاهی را به پدیده‌ای مذموم، از لحاظ اخلاقی و ناکارآمد بدل می‌سازد. در واقع نابرابری در این زمینه به معنای بی‌بهره ماندن بسیاری از شهروندان از حقوق مسلم شهروندی آنان است. این امر در درازمدت به افزایش احساس نابرابری و نهایتاً مقابله شهروندان با تمامی ارکان جامعه و دولت منجر خواهد شد. در عین حال افزایش نابرابری در این زمینه نمایانگر بدکارکرد بازار، دولت و جامعه مدنی است و در صورت شیوع این بدکارکرد در سطحی گسترده، تمامیت سیستم دچار مشکل خواهد شد. اینکه تنها عده‌ای از شهروندان بتوانند نیازهای رفاهی خود را برطرف سازند و طیف گسترده دیگری حتی با مداخلات گسترده دولت نیز قادر به برطرف نمودن نیازهای رفاهی در زمینه‌های مذکور نباشند در نهایت حتی گروه‌های برخوردار را نیز به واسطه وجود چنین بدکارکردهایی از دستیابی به امکانات تأمین این نیازها بی‌بهره خواهد ساخت.

تحقیق حاضر قصد دارد ضمن بررسی روندهای دسترسی به امکانات رفاهی در حوزه‌های سلامت، آموزش، اشتغال و مسکن در ده سال اخیر، وجوه

نابرابری ساز این روندها را کشف کرده و درک درستی از موقعیت فعلی نابرابری در دسترسی به امکانات و خدمات رفاهی به دست دهد؛ اما تنها درک وضع گذشته و حال اهمیت ندارد. در شرایط حاضر با توجه به استمرار تحریم‌های یک‌جانبه امریکا علیه ایران، شیوع گسترده ویروس کرونا، کسری بودجه بالای دولت و مشکلات مالی سازمان‌های عمومی، ضعف عمومی اقتصاد و تعمیق رکود تورمی، مشکلات گسترده اجتماعی و ضعف یا حتی تخریب سازمان‌های مردم‌نهادی که می‌توانند در توزیع خدمات رفاهی به سایر بخش‌ها یاری رسانند و عوامل بسیار دیگر، چشم‌انداز مشخصی از آینده حوزه رفاه و به‌طور مشخص مسئله نابرابری در دسترسی به خدمات رفاهی وجود ندارد. این امر به دست آوردن تصویری از آینده را دارای اهمیت بسیار خواهد ساخت. به همین دلیل تحقیق حاضر ضمن بررسی روندهای گذشته به تحلیل سناریوهای آینده نیز خواهد پرداخت. بدین ترتیب در این پژوهش بر بررسی سناریوها و طراحی سناریوهای محتمل نابرابری در دسترسی به خدمات رفاهی در عرصه آموزش، سلامت، اشتغال و مسکن تمرکز خواهد شد.

این پژوهش چنانکه ذکر آن رفت با استفاده از تکنیک‌های آینده‌پژوهی صورت خواهد گرفت. در آینده‌پژوهی می‌توان چارچوب‌های زمانی متفاوتی را مورد بررسی قرار داد: چارچوب‌های بسیار کوتاه‌مدت (یک‌ساله)، کوتاه‌مدت (یک تا پنج‌ساله)، میان‌مدت (پنج تا بیست سال)، درازمدت (بین بیست تا پنجاه سال) و بسیار درازمدت (یا آینده دور در افق بیش از پنجاه سال). در نظر گرفتن هر یک از این چارچوب‌ها به‌عنوان محور زمانی پژوهش به مقتضیات کلی موضوع و نیز هدف آینده‌پژوهی و همچنین تحولات کلی در چارچوب گسترده‌تر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی،... بستگی دارد. با توجه به نیازهای سازمان‌های متولی رفاه در تحقیق حاضر صرفاً بر تدوین سناریوهای تحول در کوتاه و میان‌مدت تمرکز خواهیم داشت. مطابق قرارداد، در تحقیق حاضر محدوده زمانی ۵ سال را کوتاه‌مدت و محدوده زمانی ۱۰ سال را میان‌مدت تلقی خواهیم نمود. بدیهی است که این تقسیم‌بندی، که مورد تأیید انجمن آینده جهان نیز قرار دارد، قراردادی است و بر پایه ضرورت‌های این سازمان‌ها و مقتضیات شرایط موجود کشور مورد پذیرش واقع شده است.

❖ اهداف مورد نظر برای تحقیق:

◀ هدف اصلی

دستیابی به سناریوهای محتمل نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی در حوزه سلامت، آموزش، مسکن و اشتغال در کوتاه و میان‌مدت.

◀ اهداف فرعی

۱. شناخت روندهای نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی در حوزه‌های چهارگانه طی ده سال گذشته؛
۲. شناخت عوامل مؤثر بر نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی در حوزه‌های چهارگانه در گذشته؛
۳. شناخت وضعیت کنونی نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی در حوزه‌های چهارگانه؛
۴. دستیابی به سنخ شناسی جامع انواع نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی چهارگانه؛
۵. شناسایی پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های کلیدی مؤثر بر نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی در حوزه‌های چهارگانه؛
۶. شناسایی سناریوهای آینده کوتاه و میان‌مدت نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی در آینده؛
۷. شناسایی پیامدهای نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی در چهار حوزه؛ و
۸. بررسی راهبردهای مقابله مؤثر با نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی در آینده کوتاه و میانی؛

❖ زمینه‌های استفاده و کاربرد نتایج تحقیق (کاربست آن در سازمان تأمین اجتماعی یا حوزه رفاه و تأمین اجتماعی):

تمامی سازمان‌های متولی رفاه و تأمین اجتماعی

- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

- سازمان تأمین اجتماعی
- مجلس شورای اسلامی
- سازمان برنامه و بودجه

❖ محدوده مکانی و محدوده زمانی

محدوده مکانی: تمامیت جغرافیای ایران.

محدوده زمانی:

دوره ده سال گذشته برای بررسی گذشته‌نگر؛

دوره زمانی پنج سال آینده برای بررسی آینده کوتاه‌مدت؛ و

دوره زمانی ده سال آینده برای بررسی آینده میان‌مدت.

❖ شرح خدمات مورد انتظار:

۱. بررسی روندهای نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی در حوزه آموزش، سلامت، اشتغال و مسکن طی دوره زمانی ده سال گذشته؛
۲. بررسی عوامل مؤثر بر روندهای نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی در حوزه‌های چهارگانه؛
۳. بررسی وضعیت کنونی نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی در حوزه‌های چهارگانه؛
۴. طبقه‌بندی انواع نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی در حوزه‌های چهارگانه بر مبنای شاخص‌های عملیاتی؛
۵. تحلیل پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های کلیدی؛
۶. تدوین سناریوهای مختلف آینده نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی در کوتاه و میان‌مدت؛
۷. بررسی پیامدهای نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی در چهار حوزه؛ و
۸. ارزیابی سناریوهای محتمل و تدوین راهبردهای مواجهه مؤثر با نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی در کوتاه و میان‌مدت.

❖ خروجی‌های مورد انتظار:

۱. نمودار روندهای نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی در ده سال گذشته؛
۲. ماتریس عوامل مؤثر بر روندهای نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی؛
۳. جدول سنخ‌شناسی انواع نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی در ایران؛
۴. نقشه نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی در چهار حوزه؛
۵. جدول پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های کلیدی مؤثر بر نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی در چهار حوزه؛
۶. جدول سناریوهای آینده نزدیک و میان‌مدت نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی در چهار حوزه؛
۷. گزارش تحلیل پیامدهای نابرابری در چهار حوزه؛ و
۸. چارچوب جامع راهبردی مواجهه مؤثر با نابرابری در دسترسی به امکانات رفاهی در چهار حوزه.



کد سند:
شماره ویرایش:

❖ محدودیت‌ها و موانع احتمالی پیش رو:

-۱

-۲

...

❖ مدت‌زمان حدودی اجرای پروژه (ماه):

۱۰ ماه

❖ سطح موردنظر برای اجرای طرح:

خرد متوسط کلان